



یحیی



ناشر نسخه الکترونیک :

[www.zoon.ir](http://www.zoon.ir)

یحیی یازده سال داشت و اولین روزی بود که می‌خواست روزنامه دیلی‌نیوز بفروشد. در اداره روزنامه متصدی تحویل روزنامه‌ها و چند تا بچه همسال خودش که آن‌ها هم روزنامه می‌فروختند چند بار اسم دیلی‌نیوز را برایش تلفظ کردند و او هم فوری آن را یاد گرفت و به نظرش آن اسم به شکل یک دیزی آمد. چند بار صحیح و بی‌زحمت پشت سر هم پیش خودش گفت: «دیلی‌نیوز! دیلی‌نیوز!» و از اداره روزنامه بیرون آمد.

به کوچه که رسید شروع کرد به دویدن. فریاد می‌زد: «دیلی‌نیوز! دیلی‌نیوز.» به هیچ کس توجه نداشت فقط سرگرم

کار خودش بود هر قدر آن اسم را زیادتر تکرار می‌کرد و مردم از او روزنامه می‌خریدند بیشتر از خودش خوشش می‌آمد و تا چند شماره هم که فروخت هنوز آن اسم یادش بود. اما همین که بقیه پول خرد یک پنج ریالی را تحویل آقای داد و دهشاهی کسر آورد و آن آقا هم آن دهشاهی را به او بخشید و رفت و او هم ذوق کرد دیگر هرچه فکر کرد اسم روزنامه یادش نیامد. آن را کاملاً فراموش کرده بود.

ترس ورش داشت. لحظه‌ای ایستاد و به کف خیابان خیره نگاه کرد. دومرتبه شروع به دویدن کرد. باز هم بی آنکه صدا کند چند شماره ارزش خریدند. اما اسم روزنامه را به کلی فراموش کرده بود.

یحیی به دهن آن‌هایی که روزنامه می‌خریدند نگاه می‌کرد تا شاید اسم روزنامه را از یکی از آن‌ها بشنود اما آن‌ها

همه با قیافه‌های گرفته و جدی و بی‌آنکه به صورت او نگاه کنند روزنامه را می‌گرفتند و می‌رفتند.

بیچاره و دستپاچه شده بود. به اطراف خودش نگاه می‌کرد شاید یکی از بچه‌های همقطار خود را پیدا کند و اسم روزنامه را از او بپرسد اما کسی را ندید. چند بار شکل دیزی جلوش و رجه‌ورجه کرد اما از آن چیزی نفهمید. روی پیاده‌رو خیابان فوجی از دیزی‌های متحرک جلوش مشق می‌کردند و مثل اینکه یکی دو بار هم اسم روزنامه در خاطرش برق زد اما تا خواست آن را بگیرد خاموش شد.

سرش را به زیر انداخته بود و آهسته راه می‌رفت بسته روزنامه را قایم زیر بلغش گرفته بود و به پهلویش فشار می‌داد. می‌ترسید چون اسم روزنامه را فراموش کرده روزنامه‌ها را از او بگیرند. می‌خواست گریه کند اما اشکش برون نیامد.

می‌خواست از چند نفر عابر بپرسد اسم روزنامه چیست اما خجالت می‌کشید و می‌ترسید.

ناگهان قیافه‌اش عوض شد و نیشش باز شد و از سر و صورتش خنده فرو ریخت. پا گذاشت به دو و فریاد زد:

«پریموس! پریموس!»

اسم روزنامه را یافته بود.

